ترمیم شکاف دولت – ملت تضمین کننده ثبات سیاسی کشور

آرمان فرهادی

به دنبال شکل‌گیری اعتراضات خیابانی و ناآرامی‌های اخیر در کشور، تحلیل‌های متفاوتی درباره ریشه‌ها و علل آن از زوایای متفاوت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از سوی صاحبنظران عرصه جامعه و سیاست و کنشگران سیاسی وابسته به طیف‌های متفاوت سیاسی درون حاکمیت و اقشار معترض مردم، مطرح شد که به نظر نگارنده این سطور می‌توان همه آنها را در یک زمینه اصلی و مشترک یعنی «شکاف دولت – ملت» که مجموع سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ را در بر می‌گیرد، مورد واکاوی قرار داد. حتی آنجا که از برنامه‌ریزی و توطئه دشمنان خارجی صحبت می‌کنیم، در اصل بهره‌برداری و سوءاستفاده آنان از این شکاف داخلی است که باید مورد توجه قرار گیرد .

در یک نگاه تاریخی با بررسی تحولات اجتماعی و سیاسی از زمان مشروطیت و پس از آن شکل گیری دولت مدرن در ایران تا به امروز، می‌توان از شکاف دولت – ملت به عنوان عمیق‌ترین و فعال‌ترین شکاف اجتماعی در ایران یاد کرد که بسیاری از لرزه‌های کوچک و بزرگ بر پیکره جامعه و ساختار سیاسی کشور، خواه به صورت خیزش‌های انقلابی و ساختارشکنانه و خواه حرکت‌های اجتماعی و سیاسی اصلاح‌طلبانه، همه و همه بر روی این گسل عظیم به وقوع پیوسته‌اند. بی‌شک بسیاری از این تحولات، از جنبش مشروطیت، نهضت ملی شدن صنعت نفت تا انقلاب اسلامی‌ایران و حتی پس از آن شکل گیری حرکت‌های اصلاح‌طلبانه مانند دوم خرداد هفتاد و شش و حتی ناآرامی‌های این روزهای کشور جز با مد نظر قرار دادن چنین شکافی قابل تحلیل نیستند . هر چه این گسل عمیق تر و فعالتر باشد قطعا لرزه‌های آن نیز مخرب تر خواهد بود .

پیش از انقلاب اسلامی‌در سال پنجاه و هفت می‌توانیم این شکاف بزرگ را عمدتا در عرصه سیاسی به لحاظ نبود یا دست کم ضعف اساسی جامعه مدنی و احزاب سیاسی مستقل و به تبع آن نبود انتخابات آزاد به عنوان حلقه‌های اتصال مردم و نظام سیاسی به راحتی تشخیص دهیم. از سوی دیگر ساختار بسته حکومت هیچ‌گونه حرکت اصلاحی در جهت ایجاد یک حلقه رابط میان حاکمیت و مردم از طریق ایجاد نهادهای مدنی و صنفی، احزاب و انتخابات و.. را بر نمی‌تابید و به لحاظ فرهنگی و اجتماعی نیز عامه مردم فاصله زیادی با نظام حاکم احساس می‌کردند که در این نوشته مجال پرداختن به تک تک این عناصر شکاف بخش نیست. اما پس از وقوع انقلاب اسلامی، برقراری یک حکومت جمهوری با تکیه بر فرهنگ و قوانین اسلامی‌که خود نوید بخش عدالت و آزادی است، بسیاری را به ترمیم این شکاف عظیم میان نظام سیاسی و مردم امیدوار ساخت.

در سالهای اولیه پس از انقلاب، شکاف به شکل چشمگیری ترمیم شد. همراهی اقشار مختلف مردم با نظام سیاسی نوپای ایران، حتی تحسین بسیاری از تحلیلگران خارجی را نیز بر انگیخته بود. آنچه که در چند سال اول انقلاب، طی ناآرامی‌های متفاوت در گوشه و کنار کشور و همچنین در طول هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با مقاومت و از خودگذشتگی علی رغم همه دشواری‌ها، از مردم دیده می‌شد حاکی از همراهی و همدلی کم نظیر ملتی انقلابی با دولتی از بطن مردم بود. پس از پایان جنگ و روی کار آمدن دولت سازندگی در ایران به دلیل اولویتی که به درستی از طرف حاکمان در جهت سازندگی و توسعه اقتصادی کشور داده شد به نظر می‌رسید مساله توسعه سیاسی که مربوط به گسترش آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مصرح در قانون اساسی و توسعه نهادهای مدنی مانند احزاب و تشکل‌های سیاسی است، تا حدود زیادی مغفول مانده است و مردم به دنبال ایجاد و گسترش بسترهای دموکراتیک و مدنی برای ارتباط بیشتر با دولت برخاسته از رای خود هستند. این کاستی‌ها نهایتا منجر به حضور گسترده ملت به خصوص طبقه متوسط جامعه، پشت سر جریان اصلاحات به رهبری سید محمد خاتمی‌در انتخابات دوم خرداد هفتاد و شش شد .

در دوره هشت ساله اصلاحات قدم‌های بزرگی در جهت توسعه سیاسی با استفاده از ظرفیت‌های موجود در قانون اساسی در جهت فراهم کردن فضای بازتر سیاسی، گسترش نهادهای مدنی، احزاب و تشکل‌های سیاسی در جامعه، پویایی و نشاط سیاسی تشکل‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، حاکمیت قانون و پاسخگو بودن دولت، علی‌رغم همه مانع تراشی‌های مخالفان دولت وقت، برداشته شد. اما دولت اصلاحات با وجود موفقیت در زمینه «آزادی»، در برقراری ارتباط با اقشار ضعیف تر و پایین جامعه به خصوص در زمینه مسائل مربوط به حوزه «عدالت» و رفاه اجتماعی آنچنان که انتظار می‌رفت، کامیاب نبود که همین امر به عنوان پاشنه آشیل دولت و جریان اصلاحات عمل کرد و همراه با عوامل تضعیف‌کننده عمدتا ساختاری دیگر در خود جریان، باعث روی کار آمدن دولت محمود احمدی نژاد با عقبه اصولگرایان تندرو گردید. ماهیت «شعارهای مهرورزانه و عدالت طلبانه» دولت در چهارسال نخست که بسیاری از اقشار پایین جامعه را با خود همراه کرده بود با انتخاب مجدد احمدی‌نژاد در دوره بعد، جنبه‌های عوام فریبانه خود را بیشتر نشان داد و دولت نه تنها در عرصه اقتصادی، حجم عظیمی از مسائل و مشکلات ریشه‌ای را در مسیر توسعه کشور به بار آورد و نتوانست بسیاری از مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم را مرتفع سازد بلکه به لحاظ سیاسی فضا را روز به روز برای منتقدان که عمدتا جناح خارج از قدرت و طرفدارن آن در جامعه و دانشگاه بودند، بسته تر و تنگ‌تر کرد.

دولت مورد حمایت اصولگرایان هم در رفع شکاف اقتصادی میان طبقات پایین و دولت و هم شکاف سیاسی میان طبقات عمدتا متوسط و بالا با دولت و به تبع آن حاکمیت ناکام ماند و میتوان گفت به لحاظ سیاسی این شکاف را به بالاترین حد خود پس از انقلاب اسلامی‌رساند.

با پیروزی حسن روحانی و روی کار آمدن دولت تدبیر وامید با حمایت اصلاح‌طلبان، مردم هم خواستار توسعه سیاسی ذیل مفهوم کلی «آزادی» و هم خواستار گسترش چتر حمایتی دولت بر سر طبقات محروم جامعه، کاهش فقر، بیکاری، تورم و اهتمام به توسعه اقتصادی ذیل مفهوم «عدالت» بودند. به این دلیل میتوان دولت روحانی را وارث شکاف بزرگی دانست که در طول سالهای قبل از او هم در عرصه سیاست و هم اقتصاد میان مردم و حاکمیت به وجود آمده و دولت او ناچار به رفع آن بود. دولت روحانی همزمان می‌بایست توان خود را در جهت رفع مشکلات اقتصادی مردم به کار می‌گرفت و هم به لحاظ سیاسی ارتباط تقریبا قطع شده حاکمیت و مردم در ضعف ساختارهای مدنی و واسط میان این دو را برطرف نماید و به بیانی دیگر دغدغه «آزادی و نان» مردم را به صورت هماهنگ پاسخ دهد .اگر چه دولت تدبیر و امید توانست تا حدود زیادی نسبت به گذشته به لحاظ معیارهای مربوط به توسعه سیاسی گام‌های موثری بردارد اما به لحاظ اقتصادی با وجود بازگرداندن نسبی ثبات از دست رفته به حوزه اقتصاد با کنترل تورم و افزایش رشد اقتصادی، به دلیل مشکلات اقتصادی حاد به ارث رسیده از دولت قبل، شرایط پیچیده ی بین‌المللی کشور و بسیاری مسائل ریشه‌ای دیگر که نیازمند زمان طولانی‌تر برای رفع آنان بود، اثرات آن در معیشت مردم آنچنان که انتظار می‌رفت احساس نشد. کلید روحانی هر چند بسیاری از قفل‌های سیاست را گشود اما بسیاری از قفل‌های اقتصاد همچنان بسته باقی ماندند.

اینکه شش ماه نگذشته از انتخاب مجدد دکتر روحانی و شروع کار به دولت دوازدهم آن هم با رای حدود شش میلیون بالاتر نسبت به دوره قبل، شاهد چنین اعترا ضات خشن و مخربی در خیابان‌های برخی از شهرهای کشور به نام اعتراض به سیاست‌های دولت بودیم خود بیانگر واقعیت‌های پنهان دیگری است که در اینجا ذکر نکاتی چند به عنوان علل و راهکارها، ضروری به نظر می‌رسد:

۱- اگر چه در ابتدا علت نزدیک این مشکلات، فشارهای اقتصادی و معیشتی آن هم در اعتراض به دولت عنوان و با تحریک عده ای مخالف دولت استارت آن در مشهد زده شد اما گسترش یکباره و غیر قابل پیش‌بینی آن و ماهیت شعارهای معترضان، حاکی از فعال شدن گسل تاریخی میان دولت به معنای کل نهادها ی قدرت و مردم است و در این میان نمی‌توان تنها انگشت اتهام را به سمت قوه مجریه دراز کرد و تنها دلیل آن نیز مشکلات اقتصادی و معیشتی نیست و لزوم توجه همه دستگاه‌های قدرت در جهت نزدیکی هر چه بیشتر به مردم در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و شنیدن صدای نسل جوان کشور و خواسته‌های آنان، امری ضروری است .

۲-به لحاظ سیاسی، توجه به اجرای اصول مصرح قانون اساسی در زمینه ی توسعه جامعه مدنی و احزاب سیاسی به عنوان حلقه ارتباط مردم و نظام، آزادی بیان، اجتماعات ، اجرای حقوق شهروندی، شفافیت و پاسخگویی همه نهادهای قدرت در زمینه عملکردها و به طور کل مسائل مربوط به توسعه سیاسی و دموکراتیک ضروری به نظر می‌رسد. همچنین مساله اتحاد میان همه جناح‌ها و سلایق سیاسی درون حاکمیت، جذب حداکثری و دفع حداقلی و لزوم توجه هرچه بیشتر به اصل مدارای سیاسی با مخالفان و منتقدان، در پر کردن این شکاف می‌تواند بسیار کارساز باشد و قطعا راه را برای حرکت‌های تند و خشن با تحریک بیگانگان خواهد بست. تحقق این مهم خود نیازمند اجرای بی کم و کاست وظایف رئیس جمهور به عنوان مجری قانون اساسی و مقابله با سنگ‌اندازی و مانع تراشی‌های مخالفان دولت در داخل و بیرون نهادهای قدرت است که می‌تواند با نظارت و حمایت رهبر معظم انقلاب تحقق عینی یابد .

۳- به لحاظ اقتصادی، از یک سو توجه به رفع مشکلات معیشتی و به خصوص بیکاری جوانان با تصویب بودجه ای با اولویت و به نفع اقشار کم درآمد و خیل عظیم بیکاران جامعه، تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و توجه به اجرای اصل ۴۴ مربوط به خصوصی سازی در کنار بخش دولتی و تعاونی در تحقق توسعه اقتصادی کشور و رفاه مردم و از سوی دیگر تصویب قوانین محکم تر در جهت شفافیت همه نهادها در زمینه دخل و خرج‌ها و گزارش آن به مردم از سوی قوه‌مقننه، مبارزه اساسی با فساد سیستماتیک و رانت گسترش یافته در دستگاه‌های حکومتی و برخورد علمی و جدی با مفسدان توسط قوه‌قضائیه و تلاش در جهت رفع ریشه‌های آن در ساختار سیاسی و اقتصادی کشور، در کاهش شکاف دولت و مردم امری بسیار ضروری است.

۴-در سطح اجتماعی بی شک مساله بیکاری، فقر و آسیب‌های اجتماعی و روانی ناشی از آنها در توسعه شکاف دولت و مردم بسیار تاثیرگذار بوده است و لزوم توجه به تحقق عدالت اجتماعی و گسترش چتر رفاهی دولت بر سر اقشار محروم ، نیازی اساسی در شرایط فعلی است که باید برای برآورده کردن آنها چاره‌اندیشی فوری کرد. همچنین توجه به خواسته‌های نسل جوان به خصوص متولدین دهه‌های هفتاد و هشتاد در همه زمینه‌ها و نزدیک‌تر شدن به آنان از طرف نهادهای حاکیمت در کاهش شکاف‌ها میان ساختار سیاسی و نسل‌های جدید انقلاب، امری اساسی است .

۵-در سطح فرهنگی، احیای رسالت سازمان صدا و سیما در اطلاع‌رسانی بدون پالایش به مردم و اجازه دادن به همه سلایق سیاسی برای بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود به عنوان رسانه ملی نه رسانه مربوط به یک جناح خاص، در جلب اعتماد از دست رفته و رفع بسیاری از گلایه‌های مردم به این سازمان و به تبع آن ایجاد نزدیکی میان مردم و نهاد قدرت، تاثیرگذار است. همچنین توجه هر چه بیشتر دولت به اقلیت‌های مذهبی، قومی‌و فرهنگی و وارد کردن آنان در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی در سطح خرد و کلان و رسیدگی به مشکلات اقتصادی و معیشتی این اقلیت‌ها همراه با توسعه ی اقتصادی مناطق زندگی آنان ، در کاهش شکاف میان نهادهای قدرت و اقلیت‌ها، تاثیر مثبت خواهد داشت. نتیجه آنکه امروز کشور ما نیازمند عزم جدی همه نهادهای قدرت در جهت اصلاح امور و توجه به نکات پیش گفته از نظر نگارنده است . بی شک حرکت‌های تند و خشن همراه با آسیب به اموال عمومی‌و جان باختن تعدادی از هموطنان در شرایط فعلی کشور، مورد قبول هیچ یک از دلسوزان وعقلای سیاسی کشور از همه طیف‌های سیاسی و عامه مردم نیست و زمینه را برای سوءاستفاده بسیاری از دشمنان ملت ایران مخصوصا برخی کشورهای مرتجع منطقه در جهت کاهش قدرت ملی و بین‌المللی کشور فراهم خواهد کرد. با اقدامات اصلاحی در همه عرصه‌های پیش گفته برای کم کردن شکاف دولت - ملت و همچنین فراهم کردن زمینه‌های قانونی برای اعتراضات مسالمت آمیز از سوی دولت و حاکمیت، از وقوع حرکت‌های اعتراضی خشونت‌آمیز و سوء استفاده دشمنان نظام و ملت ایران از این آشوب‌ها در آینده جلوگیری و پیشرفت، ثبات و آرامش کشور تضمین خواهد شد .

مروری بر بایدها و نبایدهای گزینش

گزینش بدون نقض حریم شخصی

زهرا علی‌اکبری

برای دست‌یابی به اهداف توسعه پایدار و بسترسازی ارتقای حرفه ای و دانشی جوامع، نیاز است که در کنار دیگر عوامل مهم، نیروی انسانی که سرمایه فکری و اجرایی هر توسعه‌ای به شمار می‌آید، ویژه‌تر و تخصصی تر نگاه شود. معمول است در هرکشوری برای استخدام و بکار گیری نیروی انسانی در بخش دولتی و خصوصی شاخص‌ها و معیارهایی برای گزینش و سنجش کارآمدی افراد وجود دارد. آزمون‌های استخدامی، مصاحبه‌های نیمه سازمان یافته، ارزیابی تجارب حرفه ای، گزینش مسائل اعتقادی و... ازجمله مواردی است که می‌توان در فرایند گزینش نیروی انسانی به آنها اشاره کرد. روز پانزدهم دی ماه سالروز فرمان امام‌خمینی(ره) مبنی بر تاسیس نهاد گزینش می‌باشد و از آنجا که منابع انسانی سرمایه هنگفتی برای رشد وتوسعه هر سازمان محسوب می‌شوند، فرصت مناسبی است تا به رویکرد نحوه گزینش درمراحل استخدام و چرایی باید ونبایدهای آن در ایران پرداخته شود. با در نظر گرفتن تفاوت ارزش‌های ملی - مذهبی حاکم بر جامعه اسلامی‌ایران با دیگر جوامع، طبیعی به نظر می‌رسد که در معیارهای گزینش با آنچه در کشورهای دیگر به کار می‌رود، تفاوت‌هایی وجود داشته باشد. دراکثر موارد این اختلاف معیارها به مسائل دینی و اعتقادی در کشور ما بر می‌گردد. اما نباید این تفاوت در ارزش‌ها و باورها،گزینش را از مسیر اصلی خود خارج نماید وشکل تک بعدی بخود بگیرد وتنها در امور اعتقادی خلاصه شود چیزی که امروز به وفور در سازمان‌های دولتی به چشم می‌خورد، در حالی که منطقی به نظر می‌رسد باید برای احراز هر پستی صلاحیتها، تجارب، مهارتها، دانش، توانایی‌ها و ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی در کنار هم و به یک میزان سنجیده شود. یکی از بارزترین عوامل رشد و ارتقای هر سازمان و توسعه پایدار در هر جامعه‌ای، بهره‌گیری از نیروی انسانی توانمند، کاربلد و متعهدی است که بتواند با سرمایه دانش و تجربه خود علاوه بر خلاقیت و نوآوری،فعالیت‌ها و اقدامات را به نحو مطلوبی به انجام برسانند.حال اگر در فرایند استخدام نیروی انسانی، فقط بر روی اعتقادات شخصی و گرایش‌های سیاسی تکیه گردد، نمی‌توان انتظار داشت در پیامدهای سازمانی به نتایج مثمر ثمری دست پیدا کرد. متاسفانه آنچه امروزه در مراحل گزینش دنبال می‌شود چیزی غیر از این نیست و مصاحبه‌گران وکارشناسان گزینش از همان دقایق اولیه با سوالاتی اعتقادی و سیاسی فرد را محک می‌زنند، دریغ از یک پرسش که در آن صلاحیت‌ها و شایستگی‌های حرفه ای فرد مورد سنجش قرار گیرد،که اگر هم سنجیده شود آنچه دربرآیند نهایی لحاظ می‌گردد، بیشتر از جنس عقیدتی است.

این درست است که در جامعه‌ای که مرز اعتقادات در آن بسیار با اهمیت است، در ورود افراد به سازمان‌های دولتی و تاثیر گذار در سرنوشت کشور، باید دقت لازم و همه جانبه صورت بگیرد اما از طرف دیگر فرض شود فردی معتقد به اصول دینی مراحل استخدامی خود را طی کند ولی صلاحیت و شایستگی علمی‌و عملی لازم، برای حضور در آن شغل را نداشته باشد، این وجه به وفور خسران بیشتری دربر خواهد داشت. زمانی که چارچوب برنامه‌ای سازمان‌ها، نهادها و ارگان‌ها به نحوی مطلوب و سنجیده و هم راستا با اولویت‌های و ارزش‌های اعتقادی جامعه پی ریزی شود دیگر جای نگرانی برای گزینش به صرف اعتقادات وجود نخواهد داشت. این که فرد در بدو استخدام با سوالاتی همچون پوشیدن فلان نوع شلوار و بلندی و کوتاهی آستین پیراهن، خواندن نمازهای یومیه و تعداد رکعت و قنوت و شرکت در راهپیمایی‌ها و مناسبت‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد، یقینا برای سنجش کارایی وی کفایت نمی‌کند. هرچند که پایبندی به اصول و اعتقادات دینی به نوبه خود برای افراد تعهد و مسئولیت‌پذیری به ارمغان می‌آورد اما به تنهایی موثر نخواهد بود. نحوه زندگی افراد ارتباطی با فعالیت‌های اجتماعی آنان در کارشان ندارد و نباید تحقیق و تفحص به تجسس در امور شخصی افراد تبدیل شود.

جدا از مسایل اعتقادی گاها تاکید مصاحبه گران بر بیان تمایلات سیاسی افراد آن قدر مصرانه می‌باشد که فرد از ترس آن که مخالف دیدگاه حزبی آنان صحبت نکند، به ناحق از تمایلات غیر واقع خود صحبت کرده است. سوال این است: گزینشی که با ترس همراه باشد و امنیت حریم شخصی در آن مورد پرسش و سوال قرار گیرد چه نقشی در استخدام نیروهای متعهد و کارآمد دارد؟ اینکه افراد برای استخدام در سازمان‌ها، با اعتقادات دینی و سیاسی خاص دست چین شوند، چه امیدی برای شکوفایی استعدادها و توسعه همه جانبه در کشور برجا می‌گذارد؟ زمانی که گزینش با ظواهر عجین شود و از سنجش واقعیت‌ها دور شود، به وظایف اولیه خود در استخدام نیروی انسانی عمل نخواهد نمود وبه اهداف خود دست پیدا نخواهد کرد.

ادامه در صفحه ۱۳

شرکت ملی نفت ایران

فراخوان شناسایی وارزیابی پیمانکار (یک مرحله‌ای) مناقصه عمومی‌یک مرحله‌ای انجام خدمات ناجیان غریق در مجموعه‌های ورزشی و آموزشی شرکت ملی نفت ایران به شماره ۰۸-۹۶

«نوبت اول»

شماره مجوز:۱۳۹۶/۴۷۸۷

شرکت ملی نفت ایران در نظر دارد مناقصه انجام خدمات ناجیان غریق در مجموعه‌های ورزشی و آموزشی شرکت ملی نفت ایران را طبق شرایط و مدارک مربوطه از طریق برگزاری مناقصه عمومی‌به صورت یک مرحله‌ای به شرکت‌های ذیصلاح و واجد شرایط واگذار نماید. از متقاضیانی که دارای شرایط ذیل می‌باشند، درخواست می‌گردد از زمان چاپ اولین آگهی تا حداکثر طی مدت ۱۰ روز کاری پس از درج دومین آگهی ضمن به همراه داشتن درخواست کتبی شرکت در مناقصه و معرفی‌نامه نماینده شرکت، جهت دریافت اسناد ارزیابی، تکمیل و عودت آن در مهلت تعیین شده در اسناد، به امور قراردادها و برآورد مقادیر معاونت امور پشتیبانی مدیریت توسعه منابع انسانی به نشانی: تهران – خیابان حافظ- نبش خیابان رودسر- ساختمان مرکزی جدید شرکت ملی نفت ایران – طبقه ۱۱ – اتاق ۱۱۰۵ مراجعه و در صورت لزوم با شماره **تلفن‌های ۶۱۶۲۵۰۴۱ و ۶۱۶۲۲۲۵۱** تماس حاصل نمایند.

الف- شرایط مناقصه‌گران

۱-داشتن شخصیت حقوقی مستقل
۲-داشتن تجهیزات و امکانات و تخصص لازم و توانایی انجام کار مطابق استانداردهای رایج در صنعت نفت
۳-داشتن توانایی مالی و فنی کافی جهت اجرای موضوع پیمان
۴-داشتن توانایی ارائه ضمانتنامه بانکی برای شرکت در مناقصه به **مبلغ۲/۶۲۰/۰۰۰/۰۰۰** ریال
۵-ارائه شناسه ملی و شماره اقتصادی
۶-انطباق موضوع مناقصه با موضوع فعالیت شرکت مندرج در اساسنامه
۷-ارائه آگهی تاسیس و آگهی آخرین تغییرات
۸-ارائه گواهی صلاحیت معتبر با موضوع مناقصه از مراجع ذی‌صلاح (با اعتبار زمانی کافی)

ب- شرایط و مشخصات کار و شرکت در مناقصه

۱-شرح مختصر عملیات مورد نیاز: انجام خدمات ناجیان غریق در مجموعه‌های ورزشی و آموزشی شرکت ملی نفت ایران
۲-محل اجرای عملیات: مجموعه‌های ورزشی و آموزشی شرکت ملی نفت ایران در تهران، آبعلی، شیراز و محمودآباد
۳-مدت پیمان ۲ سال شمسی می‌باشد
۴-زمان ارائه پاکت‌های پیشنهاد قیمت: روز **۱۳۹۶/۱۲/۱۲** تهران خیابان حافظ، نبش خیابان رودسر شرکت ملی نفت ایران ساختمان مرکزی جدید طبقه ۲ اتاق ۲۱۷ می‌باشد
۵-زمان و محل بازگشایی پاکت‌های پیشنهاد قیمت: روز **۱۳۹۶/۱۲/۱۵** تهران خیابان حافظ، نبش خیابان رودسر شرکت ملی نفت ایران ساختمان مرکزی جدید طبقه ۲ اتاق سالن جلسات می‌باشد. (لازم به ذکر است در صورت هرگونه تغییر زمان دقیق جلسه بازگشایی کتبا به مناقصه گران اطلاع داده خواهد شد.)

ج- مدارک مورد نیاز

۱-ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده منتهی به سال مالی۱۳۹۵.
۲-ارائه گواهی تایید صلاحیت فعالیت در محل اجرای پیمان و رتبه بندی شرکت‌ها براساس دستورالعمل **شماره ۱۴۹۷۱** مورخ **۸۸/۰۲/۱۸** وزارت کار و امور اجتماعی
۳-سایر موارد در اسناد ارزیابی درج گردیده است.

پس از بررسی مدارک و اسناد ارزیابی تکمیل شده واصله از سوی مناقصه گران و انجام ارزیابی، اسناد مناقصه بین شرکت‌های واجد شرایط توزیع خواهد شد. بدیهی است در صورت عدم انطباق موضوع فعالیت شرکت با موضوع مناقصه و همچنین عدم رضایت کارفرما از عملکرد مناقصه گر، مدارک شرکت مزبور مورد بررسی قرار نخواهد گرفت. ارائه مدارک و فرم‌های استعلام ارزیابی تکمیل شده از سوی مناقصه گران هیچگونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.

معاونت امور پشتیبانی **امور قراردادها و برآورد مقادیر**

آگهی فوق همزمان در سایت شرکت ملی نفت ایران **www.nioc.ir** قابل مشاهده است.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۱۰/۲۳
تاریخ انتشار نوبت دوم:۹۶/۱۰/۲۶

روابط عمومی‌شرکت ملی نفت

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی

نظر به اینکه آقای افشین محمدزاده فرزند رشید در پرونده کلاسه ۹۶۰۴۷۱ شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو سنندج به اتهام سرقت تحت تعقیب است به واسطه مجهول‌المکان بودن محل اقامت وی در اجرای ماده ۳۴۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به نامبرده ابلاغ تا در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۵ وقت رسیدگی ساعت ۹:۳۰ در جلسه دادگاه حاضر شوند در غیر این‌صورت تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد شد. م الف: ۳۲۵۷

شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان سنندج ۰۱۰۳ جزایی سابق)

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۴۴۶۶۷۰۰۰۱۷۰ شعبه ۲۰ شورای حل اختلاف شهرستان ارومیه تصمیم نهایی شماره خواهان : آقای امیرعلی خلیلی ف محمدعلی باوکالت آقای علی سلیمان نژاد ف سلمان به نشانی ارومیه خیام جنوبی ساختمان تخت طاوس طبقه دوم واحد۲ خواندگان: ۱.آقای حسن صالحی ۲.آقای محمدرضا اسدی ف قنبر همگی به نشانی آذربایجان غربی- ارومیه شهرک صنعتی فاز۲ صنعتگران یک پ۸٤ خواسته: مطالبه وجه چک رای شورا: درخصوص دعوی خواهان امیرعلی خلیلی ف محمدعلی به وکالت علی سلیمان نژاد به طرفیت خوانده ردیف اول محمدرضا اسدی و خوانده ردیف دوم حسن صالحی مبنی بر مطالبه وجه یک فقره چک بشماره ۰۰۳/۷۵۱۶۰۷ به مبلغ ۱۶۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل شانزده میلیون و پانصد هزار تومان به انضمام کلیه خسارات دادرسی از جمله هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل و خسارت تاخیر تادیه از زمان سررسید چک لغایت حکم با عنایت به محتویات پرونده و گواهی عدم پرداخت بانک محال علیه دلالت بر استقرار دین به میزان خواسته بر عهده خوانده دانسته و استحقاق خواهان بر مطالبه وجه آن را دارد و چون خوانده دفاعی در قبال دعوی مطروحه محمول نداشته و دلیلی بر برائت ذمه خود اقامه و ارائه نداشته لذا به استناد مواد ۳۱۱و۳۱۰ قانون تجارت و مواد ۱۹۸و۵۱۲و۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف دعوی مطروحه را وارد و ثابت دانسته و حکم به محکومیت خواندگان به صورت تضامنی بپرداخت مبلغ ۱۶۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال از بابت اصل خواسته و مبلغ ۲۱۸۷۵۰۰ ریال از بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی در حق خواهان صادر و اعلام میدارد رای صادره غیابی بوده و ظرف مهلت ۲۰روز پس از تاریخ ابلاغ قابل واخواهی در همین شعبه و پس از مهلت ۲۰روز بعد از قابل تجدیدنظر خواهی در نزد محاکم عمومی و حقوقی شهرستان ارومیه می‌باشد.
پرویز علیزاده– قاضی شعبه ۲۰ شورای حل اختلاف ارومیه

آگهی مجمع فوق‌العاده انجمن صنفی کارگری تخصصی سنگ‌کاران اصفهان

مجمع فوق‌العاده انجمن صنفی کارگری - تخصصی سنگ‌کاران اصفهان بدینوسیله از کلیه اعضای محترم دعوت به عمل می‌آورد تا در جلسه این مجمع مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۵ از ساعت ۱۷:۳۰ الی ۲۰:۳۰ شب در محل اصفهان – خیابان گلزار – پشت مسجد سیف‌الله خان – بیت العباس حضور بهم رسانند.

موضوع جلسه :
۱-انتخاب بازرس اصلی و علی البدل
۲-تغییر نام انجمن صنفی کارگری تخصصی سنگ کاران
۳-ادغام ۲ شغل مرتبط دررشته ساختمان (کاشی کاران و نماکاران)
۴-انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
۵-بررسی مواردی که در صلاحیت مجمع فوق‌العاده و عادی می‌باشد.
۶-هیات مدیره انجمن صنفی تخصصی سنگ کاران اصفهان

ابلاغیه

مشخصات ابلاغ شونده حقیقی:
نام: جواد نام خانوادگی: محمدپور نام پدر: احمدرضا نشانی: آذربایجان‌غربی- تکاب- روستای همپا- منزل شخصی علی اکبر صفیاری
تاریخ حضور: ۱۳۹٦/۱۲/۲۳ چهارشنبه ساعت ۱۱:۳۰ محل حضور: استان آذربایجان‌غربی- شهرستان شاهین دژ
تاریخ حضور: ۱۳۹٦/۱۲/۲۳ ساعت ۱۱:۳۰
درخصوص دعوی ناصر هیبتی قورلو به طرفیت شما در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در این شعبه حاضر شوید.
شعبه دوم شورای حل اختلاف شهرستان شاهیندژ

دادنامه

پرونده کلاسه ۹٤۰۹۹۸٤٤۱۰۱۰۰٦۳٤ شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ارومیه تصمیم نهایی شماره ۹٦۰۹۹۷٤٤۱۰۱۰۱٤۲۷ خواهان‌ها: خانم سیما جوانمردی ف محمدرحیم ۲.آقای سعید مسلم‌زاده اصل ف کوچک همگی به نشانی استان آذربایجان‌غربی- شهرستان ارومیه- بلوار نبوت- کوچه شهید غفاری آذر- کوچه۳- پ۱/۷۳ خوانده: آقای میر کاظم طاهری ف میرهاشم به نشانی فعلا مجهول‌المکان خواسته: مطالبه خسارت تاخیر تادیه رای دادگاه: درخصوص دعوی آقای سعید مسلم‌زاده اصل و خانم سیما جوانمردی بطرفیت آقای میر کاظم طاهری به خواسته مطالبه خسارت تاخیر تادیه رد مال موضوع پرونده کیفری شماره ۸۸۱٦٦۱ با ابلاغ امر به کارشناس با عنایت پرونده کیفری کاشف به عمل می‌آید خوانده نسبت به خواهان‌ها محکوم به رد مال به میزان هر یک ۱٦۱۵۰۰۰۰ ریال گردیده است و اینکه خواهانها تقاضای پرداخت خسارت تاخیر تادیه مبلغ موصوف را نیز دارند و خوانده دفاع موجهی معمول نداشته است و صرف عدم توانایی برای پرداخت بدون ارائه دلیل نمی‌تواند موجب اقناع وجدانی دادگاه باشد لذا با وارد دانستن دعوی مستندا ماده ۱۹۸و۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت خسارت تاخیر تادیه مبلغ فوق‌الذکر از تاریخ تقدیم دادخواست الی یوم‌الوصول در حق خواهانها به نسبت سهم هر یک صادر و اعلام می‌نماید این رای حضوری و ظرف ۲۰ روز از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم عالی تجدیدنظر استان آذربایجانغربی می‌باشد.
بهروز الهیاری- دادرس شعبه اول حقوقی ارومیه

«آگهی فقدان سند مالکیت»

آقای میرحسین بیانی با استناد معرفی نامه شماره ۱۱۷ مورخ ۱۳۹٦/۰۳/۰۱ بانک ملی ایران شعبه ماکو بعنوان نماینده بانک ملی ایران شعبه ماکو با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق مدعی است که سند مالکیت ششدانگ پلاک ثبتی ۱- فرعی از ۱۳۰٦- اصلی را بر اثر نامعلومی که در صفحه ۳٤۵ دفترجلد ۱۲۲ ذیل ثبت ۲۲۱٦۹٦۷ به نام بانک ملی ایران شعبه ماکو ثبت و صادر شده گم نموده است لذا با بررسی دفاتر املاک معلوم شد که سند مرقوم در صفحه فوق‌الذکر بنام بانک ملی ایران شعبه ماکو می‌باشد لذا به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۸۰ مراتب در یک نوبت آگهی و متذکر میگردد که هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی مالکیت می‌باشد بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به همراه سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و در صورت اعتراض بدون ارائه سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی برابر مقررات اقدام خواهد شد.
تاریخ انتشار: ۹٦/۱۰/۲۳
بهنام تارویردی زاده- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک ماکو

اجراییه

مشخصات محکوم له: میثم امیری – به نشانی چهاردانگه شهرک ماهشهر خ مسجد پ ۲۹ واحد ٦- مشخصات محکوم علیه: ابوالفضل شنبه ای مجهول المکان – محکوم به : بموجب دادنامه شماره ۲۲۸ مورخ ۹٦/۵/۳۰ شورا شعبه دوم قطعیت حاصل کرده است محکوم علیه محکوم است به پرداخت مبلغ پنجاه ونه میلیون و نهصد ونود هزار ریال به عنوان اصل خواسته ومبلغ یک میلیون و چهل هزار ریال به عنوان هزینه دادرسی وخسارت تاخیرتادیه از تاریخ ۹٦/۳/۲۷ لغایت زمان وصول محکوم است به پرداخت نیم عشر دولتی درحق صندوق دولت .
شورای دوم شورای حل اختلاف چهاردانگه

ابلاغ وقت رسیدگی

ابلاغ وقت رسیدگی وددادخواست و ضمائم به آقای محسن میرزا بابائی فرزند علی خواهان آقای امیر حسنی دادخواستی به طرفیت خوانده آقای محسن میرزا بابائی به خواسته مطالبه طلب مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹٦۰۹۹۸۲۸۸۵۱۰۰۷۷۸ شعبه اول دادگاه عمومی دادگستری شهرستان اسلامشهر ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۹٦/۱۱/۲۳ ساعت ۹:۳۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی به علت مجهول‌المکان بودن خوانده ودرخواست خواهان مراتب یک نوبت دریکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر آگهی دادگاه مراجعه وضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه ثانی دادخواست وضمائم را دریافت ودروقت مقررفوق جهت رسیدگی درداگاه حاضر گردد .م/الف۱۷۸۲
منشی دادگاه حقوقی شعبه اول دادگاه عمومی دادگستری شهرستان اسلامشهر – عابدینی جلودار

اعلام مفقودی

سندکمپانی و برگه سبز خودرو پراید به شماره موتور ۳۵۲۷۵۷٦- شماره شاسی S۱٤۱۲۲۸۹۵۰۳۲٤۲: - شماره انتظامی: ۹۳۳۷۷و۹۵ به نام وحید بهزادی به کدملی ٤۱۷۲۱٤٦۵۹۷ مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می‌باشد.